

مرد صدائی که در این مملکت بود بار ملاقات Garbacher ، حبیبی
 ملاقات خوبی بود و اگر مردم امریکا عکس العین خوبی از ملاقات ادنی
 دادند ، نه که در یک تصویرین آهنگ میدم و در روزنامه هم مقادیر
 هستی در بره او بود ، کتابش را هم که سیان ؛ تکلیف حساب کرده اند و
 نه کسی از آنجا خوانده ام ، آدم بسیار فزون العالیست خدا که توفیق شود
 از وایت من حبیبی به بیع سلام رسانم و در راه بگذرد و هر دو را هم از وایت
 من بویک . لبی حی متقبل بر روز مکتوبه بنویس ایم بر خدا که کند خندم دل ننداشد
 از وایت من حبیبی سلام به خانم هویت عزیز و هر دو جان ، در این توفیق
 سلام

International message area

1835 · Mark Twain

Fold first at notches ←

Peel off stickers to seal - No enclosures permitted



② Second fold

© USPS 1985

AEROGRAMME * VIA AIRMAIL * PAR AVION

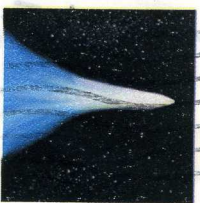


"I came in with Halley's Comet
 in 1835. It is coming again next
 year, and I expect to go out with
 it. It will be
 the greatest dis-
 appointment of
 my life if I don't
 go out with Hal-
 ley's Comet."

Malthe Attar
 10948 Valdemosa lane
 San Diego, CA 92124



USA 36



Saleh Badi!
 76 Bollo Bridge Road
 Acton, London W3
 England

Dec. 12, 1987

فراموشی عزیزم با آنکه روزی نیست که یاد تو نباشم می‌دانم چرا جواب نامهربانان بی‌ادب
 یک عیش انگلیس تمام جیبی خوب نبود و بعد از آن تب که دکتر گفت Varus مبارک
 جیبی ضعیف شدم، اصولاً می‌دانم چرا آن اینجی که در شش ندارم، شش هم پر شده!
 در هر حال فراموشی و نازنین همه یاد تو هستم و خدا میداند هر چه هست، هر نظره زیبا که
 بر روی خوبی، هر شکر گفتی که می‌نویسم تو در نظام مجسم و با تو در عالم خیال صحبت
 میکنم گاهی نه بلکه بطور این توانست روحی که منم و تو هم دارم همه از این سال
 حبش کعبه زنده است؟ آن هم دم شمار نشسته ام و بعله آتش نگاه میکنم
 دردم آرزویم که اینها بود، البته ما *Central de* دارم ولی این
 شمار را در این حالت ختم که گاهی شبها روشن میکنم، نه با شکرش با اینک من
 از شعله آتش و بوی خوب که می‌سوزد خواهم بیاید و از همان آن که می‌بینم
 یادت هست قدیم؟ در ایران اینطور شمار داشتیم. می‌دانم و شش این نامه به لشم نرسید
 که آنجا هستی یا رفته‌ای، امید دارم اگر زنتال مهاداد، نه را باران که نرسد.
 فراموشی تمام نامه، لبان دیگر به یاد را بینم، تو به نصیحت را بگیر در این بزمی
 چون من همه وقت می‌دانم بیایم اردی یا که به وقت خوابی میدان بیای ایضا
 ایضا زمان ندارد و بخواهم محصل و خوب است، منم به به بنامه ترا مقدمات
 به نام چون خیال دارم تا عمر باقی هست به بینم ایطالی، بعضی دیده از همانک اردیانی
 بدم، اگر واقعا تو بیای ایضا منم طور سازم را رایت می‌بینم که با صبر از
 آهنگ که یا بعد از آن منم بدم مجازت. روزی وقت تنهایی و مخصوص
 از این *tour* با خوشگم تمام، دلم میخواهد طور باشد که پر حینه روزی که خواهم
 در ریکا که بل، ششم با من نه با بجمه، این طوفان و انطوف بدم. تا بسنم چه پیش
 آید. نامه خوشم دارد بهار بسیار خوب کالیونی آهنگ می‌بینم ولی بطوریکه (ایه
 میدانی کسی زلزله را هم دارم چون کالیونی بیست زلزله در حین به در شسته است
 و ماقت با هم معلوم نیست، گاهی چنان بیایم چرا آهنگ کالیونی ولی دیگر چرا ای
 ندارم و نمیتوانم در مرتبه رفته به بسول، امید دارم که حل به بیخ خوب است
 و خردت هم بزود دردی پیش او، این همه روزها جایی که حین خالی بود با ای